

زنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران

اول ماه مه روز جهانی همبستگی کارگران و مزدبگیران، در شرایط بحران بزرگ سرمایه داری بین المللی فرا رسیده است. 127 سال پس از مارش اعتراض کارگران در شیکاگو، کارگران جهان در این روز همچنان پرچمهای سرخ مبارزه علیه بیداد سرمایه را بر می افرازند؛ چرا که جهان ما کماکان در نابرابری، فقر و بیداد نظم سرمایه قرار دارد که بر پایه سود و استثمار، غارت و نابرابری اکثریت عظیم بنا شده است. اول ماه مه، همواره الگوی همبستگی جهانی علیه این بیداد است و طلیعه جامعه ای برابر و آزاد و انسانی را جلوه گر میسازد. اول ماه مه در بسیاری از کشورها با جشن و پایکوبی یا راهپیمایی و اعتراض، الهام بخش مبارزه ای است که جهان ما در آینده شاهد آن خواهد بود: جهانی برابر، همبسته و آزاد فارغ از اختلافات طبقاتی و فقر و جنگ و استبداد.

در ایران، در شرایطی به استقبال اول ماه مه میرویم که کشور ما در بدترین موقعیت اقتصادی و اجتماعی قرار دارد. تشدید بحران اقتصادی و تحریمهای بین المللی، سقوط ارزش پول ملی، تعطیلی بسیاری از واحدهای تولیدی و روند صنعت زدایی، کاهش بودجه های اجتماعی، میلیتاریزه شدن بیش از پیش کشور، حذف یارانه ها، بیکاری میلیونی، فقر و مسکنت و خانه خرابی دهها میلیون خانوار ایرانی را رقم زده است. بحران سال به سال در حال گسترش است و به طور روزانه جان و هستی خانواده ها را هدف حمله خود قرار میدهد. نگرانی از آینده با گسترش تحریمهای امپریالیستی شدت گرفته است. هیچ چشم انداز روشنی برای برون رفت از این بحران دیده نمیشود. پیش بینی میشود که این بحران در سایه تشدید اختلافات با غرب بر سر مناقشه هسته ای و درگیریهای خاورمیانه، به کاهش بیش از پیش درآمدهای نفتی منجر شده و بحران، تا تلاشی هر چه بیشتر اقتصاد کشور ادامه یابد.

در سال گذشته ما شاهد گسترش هر چه بیشتر فقر و تنگدستی خانواده های کارگری از طریق عمومی شدن قراردادهای سفید امضا و موقت، عدم پرداخت دستمزدهای معوقه، تصویب رسمی دستمزدهای یک چهارم خط رسمی فقر و نابودی بقایای حقوقهای کارگری در زمینه های شرایط کار و استخدام، خدمات درمانی، بازنشستگی و بیمه ای بودیم. در حالی که بیکاری با ابعادی میلیونی جامعه کارگری را در بحران فرو برده و قدرت چانه زنی نیروی کار را کاهش میدهد، ما گسترش کار کودکان و افراد مسن با حقوق بسیار ناچیز را مشاهده میکنیم. در عین حال تشدید محاصره و تحریمهای بین المللی، و قبضه کامل اقتصاد کشور در دستان مافیای روحانی-سپاهی، اقتصاد کشور را به شدت میلیتاریزه کرده، و تسلط دستگاه ولایت-نظامیان را هر چه بیشتر نهادی کرده، با حذف یارانه ها و افزایش شدید قیمت انرژی و آب و خدمات دیگر، بسیاری از کارگاههای کوچک و متوسط را نابود کرده و یا در معرض نابودی قرار داده است. هم اکنون با تشدید تحریمها اصلی ترین صنایع کشور در معرض بحران قرار گرفته اند. پیش از اینها صنایع نساجی و کفش و الکترونیک و... بخاطر تحریمها و واردات کالاهای چینی در معرض نابودی قرار گرفته بودند و حالا صنعت نفت و پتروشیمی، آهن و خودروسازی ها آینده خود را در خطر و نابودی می بینند. اولین قربانیان این فروپاشی اقتصاد خانواده های کارگری اند که مستقیماً نتایج این بحران را در خانه خرابی و فقر و مسکنت خود تجربه میکنند.

اگر در مقابل کاهش فزاینده سطح دستمزد کارگران به زیر خط فقر، تغییرات قانون تامین اجتماعی، حذف بسیاری از حقوق کارگران از همین قانون ارتجاعی کار، نابودی مستمر صنایع کشور، رشد بیکاری و

افزایش مشاغل موقت و ناپایدار آنها، نتوانیم اقدامی گسترده سازمان دهیم، اگر نتوانیم اجماعی اجتماعی علیه سیاست های ضد کارگری حاکمیت اسلامی سازمان دهیم-با توجه به تشدید تحریمها- سناریوهای سیاهتری در پیش چشمانمان و خارج از اراده مردمان ما به اجر در میآید. به همین خاطر وظیفه ای سخت در مقابل فعالین و پیشروان کارگری قرار گرفته است. از یکسو باید در مقابل سیاستهای ضد مردمی و ضد کارگری رژیم اسلامی ایستاد و طبقه کارگر و مزدبگیر را سازمان داد و مطالبات این طبقه را با شفافیت کامل طرح کرد و برای آن مبارزه کرد، و هم علیه سیاست های تجاوزکارانه و جنایتکارانه امپریالیستی ایستاد. سیاستهای ضد انسانی سرمایه داری داخلی و بین المللی مردم ایران را نشانه گرفته اند.

در تمام این سالها ما شاهد مبارزه فداکارانه و دلیرانه کارگران ایران بوده ایم. و اعتراض و تحصن و راه پیمایی و اعتصاب و کم کاری و طومار نویسی تا کنون قطع نشده است. زندانهای رژیم اسلامی پر از فعالین و رهبران تشکلهای کارگری است. شاهرخ زمانی ها، رضا شهابی ها، بهنام ابراهیم زاده ها و دهها فعال کارگری در زندان اند. اما علیرغم تمام این سرکوبها ما شاهد تداوم فعالیت سندیکای شرکت واحد، سندیکای فلرکار مکانیک، سندیکای کارگران نقاش، نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، کمیته پیگیری، اتحادیه نیروی کار پروژه ای، کانون مدافعان حقوق کارگر و دهها تشکل کارگری هر چند نه متناسب با نیاز واقعی جنبش هستیم. اگر این تشکلهای بسوی سازمان دادن یک جبهه متحد کارگری اقدام کنند؛ و تمام تشکلهای کارگران و مزدبگیران را در جبهه ای سراسری متحد کنند به سهم خود میتوانند نشانه های امید بخشی باشند که آینده مقاومت و پیشروی طبقه کارگر را تضمین کند.

گسترش فلاکت و بیکار سازیها نقش محلات کارگری و خصوصا زنان زحمتکش را در اعتراضات توده ای تقویت کرده و خواهد کرد. حضور خانواده های کارگری در اعتراضات و پیوند دادن محیط کار و زندگی برای ایجاد سنگرهای مقاومت از اهمیت زیادی برخوردار است. محلات کارگری است که میتواند زن زحمتکش و کارگر، جوان جویای کار، بیکار و اخراجی، کارگر و فعال کارگری، معلم و پرستار، دانش آموز و دانشجو را در کنار هم نشانند و تشکل طبیعی و پایدارشان را سامان دهد. اتحادیه های فراگیر استوار بر محیط زندگی و کار از همین جا متولد میشود و این اتحاد است که میتواند مانع از بهره برداری جریانهای ارتجاعی و سرمایه داری از جنبش کارگری شوند. کارگر و مزدبگیر و خانواده های آنان در این شرایط بحرانی و خطیر راهی جز اتحاد و تشکل یابی مستقل ندارند.

کمیته مرکزی سازمان کارگران ایران- راه کارگر همگان را به شرکت در این جشن همبستگی جهانی در همه کشورها، برای همبستگی بین المللی علیه سرمایه و امپریالیسم دعوت میکند و در راستای گسترش همبستگی و اتحاد کارگری علیه رژیم اسلامی، علیه تحریم و جنگ طلبی، برای گسترش مبارزات کارگری، باز بر اجرای مطالبات اساسی که در سال گذشته طرح شده بود تاکید میکند:

یک: بیکار همبسته کارگری علیه تجاوز روزمره دولت و سرمایه داران اصلی ترین اهرم طبقه کارگر در مبارزه برای مطالبات پایه ای آن و شکل دادن به آرایش سراسری کار در برابر سرمایه است. ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، برپایی تجمع، تحصن و اعتصاب حق بدیهی و خدشه ناپذیر کارگران است و باید بی قید و شرط تامین شود.

دو: عدم پرداخت دستمزد کارگران، مشارکت آگاهانه در سرقت دسترنج نیروی کار کشور است. حقوق معوقه کلیه کارگران باید بدون هیچ بهانه ای پرداخت و خسارات ناشی از تاخیر آن جبران گردد.

سه: در نظام سرمایه داری، حداقل دستمزد حاصل واقعی ارزش کار کارگر نیست، هزینه بازتولید بخشی از نیروی کار اوست. در شرایطی که رانت خواران حکومتی میلیاردها تومان از دارایی های مردم را اختلاس می کنند و اقلیتی مفتخور از همه چیز برخوردار است، تعیین حداقل دستمزد زیر خط فقر، توهین به منزلت انسانی و تهدید حق حیات کارگران است. دستمزد باید منطبق با نرخ واقعی تورم و هزینه متوسط یک خانوار، از سوی نمایندگان واقعی خود کارگران تعیین شود.

چهار: شرکتهای پیمان کاری باید برچیده شده، قراردادهای موقت و سفید امضا ممنوع گردد و امنیت شغلی کارگران از طریق انعقاد قراردادهای مستقیم و دسته جمعی تامین شود. بیکاران باید تحت پوشش بیمه های بیکاری قرار گرفته و اخراج از کار متوقف شود.

پنج: حاکمیت سرکوبگر با غارت میلیاردها دلار ثروتهای نفتی و بالا آوردن بدهیهای کلان، به جان بیمه های اجتماعی افتاده و به جای پرداخت بدهیها و اجرای تعهدات خود در شرایطی که گرانی بیداد میکند و هزینه های کمرشکن درمان، عامل رانده شدن به زیر خط فقر است، راه تشدید محرومیت کارگران از دسترسی به خدمات بیمه های تامین اجتماعی را در پیش گرفته است. برخورداری از بیمه های تامین اجتماعی حق عموم مردم و کارگران و زحمتکشان کشور است، نه زیر کنترل ماشین سودجویی اقلیتی سوداگر که عرصه جولان مدیریتی امتحان پس داده در جنایت کده کهریزک. سازمان تامین اجتماعی باید در سراسر کشور از سوی نمایندگان واقعی تشکلهای مستقل کارگری اداره شود.

شش: همه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان باید لغو گردیده، برابری دستمزد زنان و مردان برای کار مساوی تامین گردد. پیوند جنبش کارگری و جنبش زنان مستلزم مقابله با بهره کشی بیرحمانه از کار زنان به عنوان محرومترین و بی حقوقترین بخش مزدبگیران و سازماندهی توده زنان کارگر است.

هفت: کار کودکان باید ممنوع شود و هر طرحی برای رسمیت دادن به کار کودکان چه به نام "اصلاحیه قانون کار" و چه غیر آن محکوم است. برخورداری کامل همه کودکان، صرف نظر از ملیت، نژاد، مذهب، جنسیت و مهاجرت از امکانات رفاهی، آموزشی، بهداشتی و خدماتی باید به عنوان یک اولویت اساسی اجتماعی در همه عرصه ها به رسمیت شناخته شود

هشت: حاکمیت، فریادهای کارگران گرسنه معترضی را که ماههاست حقوق نگرفته اند با ضرب و شتم و برخورد امنیتی پاسخ میدهد، همچنین فعالان جنبش ملیتهای تحت ستم، جنبش زنان، جوانان و دانشجویان، فعالان جنبش کارگری را نیز تحت پیگرد و سرکوب دائم قرار داده و با برپایی چوبه های دار برای قربانیان آسیبهای اجتماعی در ملاعام، ارباب و وحشت پراکنی را به شیوه عادی حکومتگری تبدیل کرده است. ما خواهان لغو مجازات اعدام، آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و کارگران زندانی، و برچیده شدن بساط سرکوب و اختناق هستیم. ما ضمن حمایت از مبارزه جنبشهای اعتراضی علیه رژیم سرمایه داری مذهبی حاکم، همه حامیان آزادی و عدالت اجتماعی را به همسویی گسترده مبارزاتی علیه اعدام، سرکوب و شکنجه فرامیخوانیم.

نه: کارگران مهاجر بی حقوقترین بخش نیروی کار را تشکیل میدهند که علاوه بر اشتغال به کارهای سخت و دستمزد ناچیز در معرض تعقیب و آزار و اخراج قرار میگیرند و ناتوانی حاکمیت در تامین اشتغال به شیوه نژادپرستانه به آنان منتسب میشود. اخراج کارگران مهاجر باید

پایان یابد و مهاجرین و خانواده‌هایشان باید از حقوق و مزایای سایر کارگران برخوردار باشند.

ده: در شرایطی که بار اصلی گسترش بحران اقتصادی در اثر برچیده شدن یارانه‌ها و تشدید تحریم‌های اقتصادی ایران، بر دوش کارگران و زحمتکشان سنگینی میکند، برخورد با فعالین و سازمانگران اعتراضات کارگری شدت یافته است. راه مقابله با این تعرض رژیم ضد کارگری، تشکیل کمیته و نهادهای حمایت از اسرای جنبش کارگری در داخل، و گسترش اتحاد عمل میان همه مدافعان جنبش کارگری در داخل و خارج، و جلب هر چه موثرتر همبستگی بین المللی با مبارزات کارگری است.

یازده: کارگران ایران نه تنها از حقوق کارگری که به عنوان اقلیتهای ملی از حقوق بدیهی ملی خویش هم محروم اند. جنبش کارگری متحد جنبشهای ملی و خواهان رفع هر نوع ستم ملی و تبعیض از همه ملیت های ایران است و از مبارزات ملیتهای ایران پشتیبانی میکند. دوازده: تحریم اقتصادی بیش از نظام جمهوری اسلامی، زندگی اکثریت عظیم مردم و کارگران و زحمتکشان را نشانه گرفته و عملاً مجازات توده ای قربانیان دیکتاتوری حاکم است. تهدید به تجاوز نظامی و فضای جنگی، بهانه سرکوب مبارزات حق طلبانه مردم را فراهم میکند. ما مخالفت قاطع خود را با ماجراجوییهای هسته ای رژیم اسلامی از یکسو و با تحریمهای اقتصادی، تجاوز نظامی و هر نوع مداخله جویی و سلطه طلبی، امپریالیستی از سوی دیگر، اعلام میداریم.

سیزده: مبارزات آزادیخواهانه در خاورمیانه اوج میگیرد و جنبشهای کارگری در تونس، مصر و سایر کشورهای عربی از پی بیداری دنیای عرب گسترش میابند. ما همبستگی خود را با مبارزات کارگران ترکیه؛ نفتگران و تشکل های کارگری عراق و مبارزات کارگری در خاورمیانه، مبارزات کارگری اوج یابنده در اروپا، جنبش خشم و تسخیر و همه مبارزات ضدسرمایه داری درسراسر جهان اعلام میکنیم و در مبارزه برای دنیایی عاری از بهره کشی و دیکتاتوری در کنار این مبارزان هستیم.

چهارده: اقدام مشترک در طرح مطالبات اساسی کارگران ایران به سنتی مثبت در جنبش کارگری ایران و به شکلی از همبستگی جبهه کار در برابر سرمایه تبدیل شده است. ما از همکاری همه تشکلهای کارگری داخل کشور در طرح مطالبات مشترک کارگران ایران و همگامی و همکاری مشترک برای دستیابی به آنها حمایت می کنیم.

پانزده: کارگران ایران در مبارزه علیه دیکتاتوری حاکم تنها نیستند و نباید تنها بمانند. ما خواهان جلب هر چه گسترده تر حمایت بین المللی از جنبش کارگری ایران توسط تشکلهای مستقل و جنبش های کارگری و گسترش فعالیتها و اقدامات موثر در این مسیر هستیم

شانزده: ما خواهان پذیرش اول ماه مه به عنوان روز تعطیل رسمی و لغو هر گونه ممنوعیت و محدودیت دربرگزاری مراسم این روز از سوی کارگران و زحمتکشان هستیم

زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیسم

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر